

۲۵۷
کوله پشتی

ضمیمه روزنامه شهرآرا ویژه کودکان مشهد

۹ مهر ۱۴۰۴

چهارشنبه



مهربانی بابابزرگ پایان ندارد

مهمانی در انباری

۴



سلامانه

پاییز چقدر زیباست!

بعد از نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام به روی ماه

تک تکتان!

دوستان خوب کوله پشته امیدواریم که سال تحصیلی جدید را با خوبی، خوشی و سلامتی شروع کرده باشید و اوضاع و احوال برای یاد گرفتن مطالب و درس های تازه مهیا و آماده باشد.

اگر گفتید امروز در تقویم، چه روزی است؟ بله درست است امروز سالروز تولد امام یازدهم ما مسلمانان حضرت امام حسن عسکری (ع) پدر بزرگوار حضرت مهدی (عج) است. ما این روز خوب را به شما و خانواده های خوبتان تبریک و شادباش می گوئیم. بچه های عزیز از شما می خواهیم فردا توی راه مدرسه نگاهی به

دوروبرتان بیندازید و کمی به هنرنمایی خدای زیبای زیبا آفرین فکر کنید. پاییز، از راه رسیده است و طبیعت و درختان هر کدام، مثل تابلویی رنگ رنگ در جلو چشم شما جلوه گری می کند. صدای خش خش برگ ها و بازی باد دیدنی است. این همه رنگ، زرد و نارنجی و قرمز و کبود. آیا از خود پرسیده اید که چرا هر سال بعد از تابستان، فصل پاییز از راه می رسد و برگ درختان، رنگ سبز خود را از دست می دهند؟ بله به فرمان خدای مهربان

زمین به دور خودش و دور خورشید می چرخد. بر اثر چرخش زمین به دور خودش شب و روز و بر اثر چرخش زمین به دور خورشید، فصل های بهار و تابستان و پاییز و زمستان به وجود می آیند تا ما و همه موجودات زنده زندگی خوبی داشته باشیم. پس بیا بید به خاطر این همه نعمت و زیبایی از خدا تشکر کنیم.

فهرست

- حرکت پرواز ۱
- بازی شیرین ما ۲
- قابی برای بر نامه کلاسی ۳
- مهمانی در انباری ۴
- خوراک بامیه مقوی ۶
- ۲ کتاب پر ماجرا ۷
- آب برای زندگی خیلی خیلی مهم است ۸
- دوست دارم به طبیعت و انسان ها سود برسیم ۱۰
- آرام با عمری طولانی ۱۲
- این فرشته ها را چقدر می شناسید؟ ۱۴
- با تلاش به آرزو می رسی! ۱۶

صاحب امتیاز:

شهر داری مشهد

مدیر مسئول:

سید میثم موسوی مهر

سر دبیر:

سید سجاد طلوع هاشمی

دبیر ضمائم:

ارژنگ حاتم

دبیر کوله پشته:

طیبه سادات ثابت

مدیر هنری:

سید هاشم دقیق

گرافیک و صفحه آرایی:

ملک جمعی

ویراستار:

طیبه غلام رضایی

پست الکترونیک:

sabet@shahrara.com

نشانی سایت:

shahraranews.ir/fa/kids

پيام رسان روز نامه:

۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰

نشانی:

خیابان کوهسنگی

ابتدای کوهسنگی

دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱

داخلی مستقیم کوله پشته:

۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

توزیع و امور مشترکین:

۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱

داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



زنگ ورزش



حرکت پرواز

سلام به دوستان ورزش دوست و پیرانرژی کوله پشتی. امروز می خواهیم حرکت پرواز یا «حرکت سوپرمن» را یاد بگیریم. هنگامی که می خواهید این حرکت را که یک تقویت کننده عضلات شکم و پشت است انجام دهید، در خیال خود فکر کنید که قدرت پرواز دارید و مثل یک قهرمان بر بالای آسمان هستید. اگر آماده اید شروع کنیم:

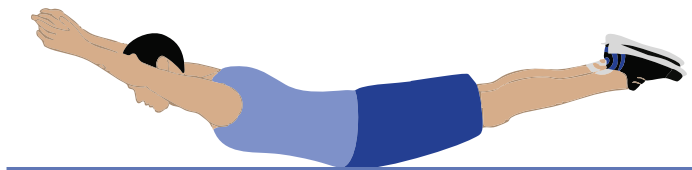
چگونگی انجام این حرکت:

ابتدا به پشت روی زمین دراز بکشید.

دقت کنید که پاها روی زمین باشد و دست ها را در بالای سر باز کنید.

حالا پاها و دست های خود را هم زمان از زمین بلند کنید تا عضلات شکم و پشتتان در این حرکت، تقویت شوند.

این حرکت را سه مرتبه انجام دهید و هر بار به مدت یک دقیقه دست و پاها را خود را از زمین بالا نگه دارید.





بازی شیرین ما

عاشق این لحظه ام
عاشق این روزها
کوچه زیبا می شود
با دیدن های ما

بند کفشت را ببند
تا دبستان می دویم
هر دو تا در کوچه ها
شاد و خندان می دویم

باز من پشت درم
آدم دنبال تو
زنگ خورده، دیر شد!
هم کلاسی جان بدو





۹ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۲۵۷



کاردستی



قاب برای برنامه کلاسی

اگر دوست دارید برنامه کلاسی تان یک برگه ساده بردیوار و در کمد اتاقتان نباشد، با ما همراه شوید و برایش یک قاب پنجره‌ای شکل زیبا درست کنید.

ابتداری مقوای سفید، یک نیم دایره بکشید. سپس با کمک یک بزرگ‌تر نیم دایره را به شش قسمت مساوی تقسیم کنید و مطابق شکل نمونه، خطوط آن را به شکل مثلث بکشید و رنگ کنید. حالا پایین نیم دایره یک مستطیل بکشید. جلد طلقی دفترتان را که برگه‌هایش پر شده بردارید و با کمک یک بزرگ‌تر، به اندازه نیم دایره روی کاغذتان برش بزنید و روی نیم دایره بچسبانید. حالا با احتیاط دو طرف لبه‌ی پنجره را با قیچی یا هر چیز دیگر بچسبانید. حالا با احتیاط دو طرف لبه‌ی پنجره را با قیچی یا هر چیز دیگر بچسبانید. حالا با احتیاط دو طرف لبه‌ی پنجره را با قیچی یا هر چیز دیگر بچسبانید. حالا با احتیاط دو طرف لبه‌ی پنجره را با قیچی یا هر چیز دیگر بچسبانید. حالا با احتیاط دو طرف لبه‌ی پنجره را با قیچی یا هر چیز دیگر بچسبانید.



طاهره عباسی



چی لازم داریم؟

مقوای رنگی

چسب مایع

مداد

طلقی یا جلد طلقی دفتر

که دیگر استفاده‌اش نمی‌کنید.



مهمانی در انباری



تویش خالی خالی بود! سعید با تعجب در انباری به جعبه و دوروبرش نگاه کرد. بعد برگشت توی حیاط و از بابابزرگ که روی تخت چوبی استراحت می کرد پرسید: «بابایی جان جعبه که خالی بود، چرا بردی توی انباری؟! بابابزرگ تا این را شنید، با نگرانی گفت: «چی؟ جعبه خالی بود؟» اما حرفش تمام نشده بود که صدای ماما بلند شد: «وای، پدرجان، باز هم! بابابزرگ نگاهی به ماما انداخت و سرکم مویش را خاراند و گفت: «خب طفلکی تنها بود، پایش می لنگید، پیر بود و احتیاج به کمک داشت. انباری جای خوبی برای استراحتش توی پاییز و زمستان است.» سعید با تعجب پرسید: «کی تنها شده بود؟! کی پیر شده بود؟! کی احتیاج به کمک داشت؟! بابابزرگ لبخندی زد و گفت: «سیاه است باراه راه های سفید، نه، شاید هم برعکس؛ سفید است باراه راه های سیاه. حالا چه فرقی می کند. دیدم پیر شده و می لنگد و نمی تواند درست راه برود. گفتم بیاورم توی انباری و کمی به او برسم. هوا هم دارد خنک می شود. طفلکی سرما می خورد.» ماما لبخند مهربانی زد و گفت: «از دست این مهربانی شما باباجان! هنوز که آن کبوتر بال شکسته ات توی قفس است و بالش خوب نشده،» سعید با خوش حالی گفت: «فهمیدم، توی جعبه گربه است. عجب کاری کردی بابابزرگ! این اولین بار است که یک گربه را توی جعبه می آوری خانه. بعد هم دوید تا کمی غذای مناسب از توی یخچال بردارد و به دیدن مهمان جدید برود که بین خرت و پرت های ته انباری این پاییز و زمستان مهمان بابابزرگ بود. همین طور که سعید داشت از اتاق بیرون می رفت، ماما بزرگ گفت: بعدش میای بریم پارک سه تایی ورزش، ببینیم این دفعه کی برنده میشه؟ سعید خندید و گفت: آره چرا که نه.

بابابزرگ ها هم مثل ماما بزرگ ها خیلی خوب اند اما بعضی وقت ها کارهای جالبی می کنند که به یاد آدم می ماند مخصوصا اگر خانه شان نزدیک باشد. خانه سعید و خانه بابابزرگ و ماما بزرگش هم از همین خانه های نزدیک به هم بود، اما بشنوید از ماجرای آن ها.

یک روز که سعید به خانه بابابزرگش رفته بود و سرش توی دفتر و کتاب هایش بود و داشت تند و تند مشق هایش را می نوشت بابابزرگ باد و چرخه اش از راه رسید. چرخه باد و چرخه دور باغچه زد و ویراژی داد و دو چرخه اش را گوشه حیاط پارک کرد و به دیوار تکیه داد. بعد هم یواشکی جعبه ی بزرگی را که روی دو چرخه بسته بود، باز کرد و جعبه به دست، دوید سمت انباری. سعید که حسابی تعجب کرده بود، از پنجره سرک کشید تا بهتر ببیند، اما بابابزرگ سریع در انباری را بست. سعید با خودش فکر کرد: «یعنی چی توی آن جعبه بود؟ چرا بابابزرگ قايمش کرد؟» بعد هم دفتر مشقش را وسط اتاق گذاشت و دوید توی حیاط تا از ماجرا خبردار شود. به در انباری که رسید، بابابزرگ سریع از انباری آمد بیرون و لبخند زنان در را بست. سعید با تعجب پرسید: «چیزی شده باباجان؟» بابابزرگ شانه ای بالا انداخت و گفت: «هیچی، رفته بودم سری بزنم، همین.» ولی هیچی در مورد جعبه نگفت. بعد هم برای اینکه حواس سعید را پرت کند، دوید توی حیاط و شوتی به توپ سعید زد و گفت: «بدو بیا بازی.» سعید هم که عاشق بازی بود، بی خیال جعبه و انباری، مشغول بازی شد. بازی که تمام شد، بابابزرگ رفت که چای بخورد. دوباره ذهن سعید رفت پیش انباری و جعبه. سعی کرد بفهمد که توی انباری چه خبر است و راز بزرگ چیست. طفلکی حق هم داشت؛ آخر کار دستی سفالی اش برای زنگ هنر، هنوز نیمه کاره توی انباری بود. سعید داخل انباری شد. جعبه کنار در انباری بود ولی





آشپزی



خوراک بامیه مقوی



شهرزاد سلامت

مادر علی داشت آشپزی می کرد. علی رفت کنار گاز و به غذا نگاه کرد. مادر داشت پیاز سرخ می کرد. علی از مادرش پرسید: شام چی داریم؟ مادر گفت: اگه گفتی؟ علی به دوروبر نگاه کرد و ظرف بامیه ها را دید و با خوش حالی گفت: آخ جون بامیه! مادر خندید و گفت: اگه کمک کنی، زود درست میشه. بعد هم به علی گفت بامیه ها را بیاورد. وقتی پیاز سرخ شد مادر مقداری رب گوجه، نمک و ادویه اضافه کرد و مواد را تفت داد. بعد بامیه ها را هم اضافه کرد. بعد از چند دقیقه مقداری آب اضافه کرد. مادر از علی خواست که ظرف ها را آماده کند. بعد از ۴۵ دقیقه بامیه ها پخته بود. علی به مادر کمک کرد تا سفره شام را آماده کنند. علی خوراک بامیه را خیلی دوست داشت.

بچه ها بامیه کلی ویتامین دارد و برای استخوان های ما مفید است.

چی لازم داریم؟

بامیه: یک پیمانه

پیاز: یک عدد

آب: یک لیوان

رب گوجه: یک قاشق غذاخوری

نمک و ادویه: به میزان لازم





معرفی کتاب



کتاب ۲ پر ماجرا

گرگ زخمی

اگر جزو علاقه مندان به مطالعه کتاب های طبیعت و ماجراجویی انسان هستید، گرگ زخمی را بخوانید.

داستان درباره دختری به اسم آذراست که در کارهای مزرعه یاری رسان پدرش است. او روزی از روزها در پشت طویله ی خانه یک بچه گرگ زخمی پیدا می کند. با اینکه آذرا می داند حیوانات وحشی می توانند خطرناک باشند، نمی تواند بچه گرگ زخمی را به حال خود رها کند. او از غذای خودش در همان جا به گرگ می دهد و از او مراقبت می کند و کم کم با گرگ دوست می شود. زمانی که گرگ خوب می شود، به آغوش طبیعت برمی گردد تا اینکه... خب بچه ها بهتر است بقیه داستان را خودتان بخوانید. این کتاب برای بچه های ۸ تا ۱۰ ساله مناسب است.



هانی وهابی

نویسنده:
علیرضا ملکی
سورکوهی
انتشارات
متخصصان ۱۴۰۴



من مترسک نیستم!

داستان این کتاب زندگی یک مترسک است که برای رسیدن به جواب سؤال هایش تلاش می کند و خسته نمی شود. در بخشی از این کتاب می خوانید:

«چشم باز کرد و دوروبر را نگاه کرد. درختچه های انگور، بوته های خیار و هندوانه، سبزی های تازه و هویج های خوش آب و رنگ، مزرعه را پر کرده بود. مترسک نگاهی به سر تا پایش انداخت و از خودش پرسید: «من کی هستم؟» مترسک منتظر بود؛ منتظر کسی که از راه برسد. صدای خش خشی از میان بوته ها به گوش رسید. «بچه ها به نظر شما بقیه ماجرا چطور پیش می رود؟ خب بهتر است خودتان از روی کتاب بخوانید و با خبر شوید. این کتاب برای بچه های ۷ تا ۱۰ ساله مفید است.»

نویسنده:

نسرین نوش امینی

ناشر:

پرنده آبی ۱۳۹۸



آب و نوشیدن

موجودات زنده مخصوصا انسان ها برا آب احتیاج دارند. اگر آب نباشد همه خ می میرند. انسان ها فقط می توانند چند روز زنده بمانند. بیشتر حیوانات هم همین شرایط چقدر می توانید تشنگی را تحمل کنید؟

نعمتی به نام آب

من یک قطره ی آب هستم. من در زندگی شما خیلی اهمیت دارم.
من بعد از هوا مهم ترین ماده برای زنده ماندن موجودات دنیا هستم. بدون من همه چیز توی دنیا به هم می ریزد. اگر باور نمی کنید همراه من بیایید:



آب و زیبایی و شادی

رودخانه ها و آبشارها و دریاها را نگاه کنید. چه منظره ی زیبایی دارند! خیلی کیف دارد کنار یک رودخانه بنشینید و پایتان را توی آب خنک آن بگذارید و به جریان قشنگ آب نگاه کنید. آب شما را شاد و سرحال می کند. سرسبزی و قشنگی اطراف رودخانه ها هم به خاطر آب است. اگر آب نباشد رودخانه ها خشک می شوند و همه ی این زیبایی ها از بین می روند.



آب و دمای هوا

می دانستید آب هم مثل باد می تواند دنیا را خنک نگه دارد. بخاری که از روی آب بلند می شود، وارد هوا می شود و باعث می شود هوا مرطوب تر و خنک تر شود. بدون آب، هوا هم گرم تر و گرم تر می شود. برای همین است که دمای هوا در منطقه های بدون آب و خشک خیلی بیشتر است.



آب و کشاورزی

بدون آب نمی شود کشاورزی کرد. باغ های قشنگ میوه از بین می روند. بدون آب خبری از میوه ها و سبزی های خوش مزه، گندم و برنج و نخود و لوبیا و خیلی چیزهای دیگر نیست. محصولات کشاورزی برای اینکه رشد کنند باید آب به ریشه هایشان برسد.





آب و پاکیزگی

آب وسیله‌ای برای نظافت و پاکیزگی است. اگر آب نباشد، نمی‌توانیم مسواک بزنیم و دست‌ها را بشویم و دوش بگیریم. اگر آبی نباشد لباس‌هایمان شسته نمی‌شوند، ظرف‌ها کثیف می‌مانند و آبی برای شستن میوه‌ها و سبزی‌ها وجود ندارد.



ی زنده ماندن به
یلی زود از تشنگی
بدون نوشیدن آب
ط را دارند. خود شما



آب و سرسبزی طبیعت

آب باعث سرسبزی دنیا است. طبیعت بدون آب نابود می‌شود. چرخه‌ی آب در طبیعت است که باعث سرسبزی گیاهان و درختان می‌شود. اگر آبی وجود نداشته باشد که بخار شود و باران نبارد، این چرخه متوقف می‌شود. آن وقت جنگل‌ها و دشت‌های سرسبز بدون آب تبدیل به بیابان می‌شوند.



آب و صنعت

می‌دانستید نیروگاه‌های برق برای تولید برق به آب احتیاج دارند. می‌دانستید کارخانه‌ها بدون آب نمی‌توانند کار کنند. کارخانه‌ها برای شست و شوی مواد زائد، خنک کردن لوله‌ها و خیلی کارهای دیگر به آب احتیاج دارند. خیلی از کارخانه‌ها برای تولید مواد اولیه به آب احتیاج دارند، مثل کارخانه‌ی کاغذسازی، نساجی.





بچه های خوب! جالب است بدانید در طول تاریخ، افرادی مانند لئوناردو داوینچی وجود داشته اند که جز اینکه آن ها را به عنوان هنرمندانی موفق می شناسیم در حقیقت یک دانشمند هم بوده اند و دستاوردهای علمی مختلفی نیز از خود به یادگار گذاشته اند. نیکاسادات امیرحسینی، یازده ساله و دانش آموز پایه پنجم مدرسه سما ۴، دانشمند کوچکی است که به هنر هم علاقه بسیاری دارد. او جزو برترین های مسابقات «دانشمند فردا» و «جابرین حیان» است. گفت وگویی ما با نیکارامی خوانید.

مصاحبه

گفت وگو با یک دانشمند هنرمند:

دوست دارم به طبیعت و انسان ها سود برسانم



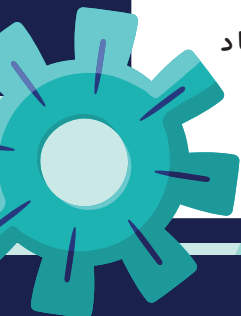
چگونه توانایی هایت را شناختی و تاکنون چه موفقیت هایی به دست آورده ای؟

از هفت، هشت سالگی، وقتی نقاشی می کشیدم و ساز تمرین می کردم، معلم ها و خانواده ام به استعدادم پی بردند. پس از آن هم در درس علوم علاقه زیادی نشان دادم و به موفقیت هایی رسیدم. اولین موفقیتم وقتی بود که کلاس اول در مسابقه خوش نویسی مدرسه مقام کسب کردم. خیلی خوش حال شدم و تصمیم گرفتم جدی تر تلاش کنم تا همیشه بهترین باشم.

پس از آن توانستم در رشته آزمایش مسابقات «دانشمند فردا» و «جابرین حیان» رتبه اول را به دست بیاورم. در کنار آن در مسابقه های نقاشی، خوش نویسی و موسیقی هم شرکت کردم، در چند مسابقه علمی دیگر هم در بخش طراحی و ساخت وسیله و همچنین مسابقه آبرجباب که بین مدارس سما بود شرکت کردم. رتبه ای

نیاوردم اما هربار تجربه جدیدی به دست آوردم. بزرگ ترین درسی که گرفتم این بود که شکست ها هم قدمی برای موفقیت هستند.

دوست دارم همیشه چیزهای جدید یاد بگیرم و فکر می کنم موفقیتم به دلیل تلاش زیاد، علاقه خودم و کمک های خانواده و معلم هایم بوده است.





۹ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۲۵۷

نیکا جان! ایده آزمایش چگونه به ذهنت رسید؟

از کنجکاوی درباره شیب و سطح شیب دار شروع شد که سعی کردم با روشی ساده اما علمی آن را اجرا کنم و در مسابقات موفق شدم. همیشه فکر می‌کنم اختراعات از سؤالات کوچک و توجه به طبیعت و زندگی روزمره سرچشمه می‌گیرند. برای آینده هم ایده‌های جدیدی دارم. فکر می‌کنم پرداختن به علوم مختلف می‌تواند به بهتر شدن کیفیت زندگی انسان‌ها کمک کند و آینده بهتری را برایمان بسازد. با همین دیدگاه دوست دارم کاری کنم که هم به طبیعت و هم به انسان‌ها سود برسانم.



برای انجام آزمایش‌هایت از چه

امکانات و کمک چه کسانی استفاده

می‌کنی؟

برای انجام آزمایش‌هایم بیشتر در خانه و مدرسه کار می‌کنم. امکاناتم ساده است اما با تلاش زیاد خودم، کمبود امکانات را جبران می‌کنم. معمولاً همکار علمی ندارم، البته گاهی با دوستانم کار می‌کنم، زیرا همکاری سبب می‌شود ایده‌ها بیشتر بشوند. تصمیم دارم در آینده دندان پزشکی شوم و در کنار آن هنرم را هم ادامه بدهم.

به همه دوستانم می‌گویم هیچ وقت از تلاش خسته نشوند. اگر شکست خوردند دوباره بلند شوند و اطمینان داشته باشند که موفقیت نزدیک است.

فکر می‌کنم بیشتر از ۷۰ درصد موفقیت‌م به تلاش و پشتکار خودم برمی‌گردد، اما باقی آن حاصل حمایت خانواده و راهنمایی معلم‌ها به ویژه معلم علوم و مسئولان مدرسه‌ام بوده است.

دوست دارم مسئولان برای بچه‌های با استعداد امکانات بیشتری مانند کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های مجهز قرار دهند.

به جز فعالیت علمی به چه

کارهای دیگری علاقه مندی؟

در موسیقی رشته پیانو، نقاشی رشته اکریک و خوش‌نویسی و خط در رشته کاپرلیت فعالیت دارم. ورزش به ویژه شنا را هم دوست دارم. تابستان را هم با مطالعه، تمرین موسیقی و خوش‌نویسی و کلاس ریاضی گذراندم، کمی هم ورزش کردم.





سید هاشم رفیعی

آرام با عمری طولانی

جانور شناسی



دنیا پر از آفریده های زیبا، عجیب و گاهی ناشناخته است. می خواهیم برای شما دانستنی های جالبی از زندگی جانوران بومی و غیر بومی کشورمان بگوییم. در این شماره لاک پشت آسیایی را معرفی می کنیم.

تغذیه

انواع گیاهان، میوه و سبزیجات



لاانه

حفره های خاکی یا بین صخره های کوه پایه ها

لاک پشت آسیایی

نام علمی: *Testudo horsfieldii*
نام انگلیسی: Russian Turtle

خزندگان

رده

لاک پشت ها

راسته

لاک پشت های زمین زی

خانواده





پراکندگی در ایران

در استان‌های خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، گلستان، سمنان و یزد پراکندگی دارد.



ویژگی‌های ظاهری

طول بدن ۶ تا ۲۵ سانتی‌متر

وزنی حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ گرم

لاک پشتی آن‌ها به رنگ‌های متنوعی از قهوه‌ای روشن یکدست تا قهوه‌ای متمایل به زرد یا زیتونی و همراه نقوش قهوه‌ای تیره بر روی هر پولک است.

دارای ۴ انگشت در هر پا است و انگشت‌ها پره ندارند، چون این لاک پشت در آب زندگی نمی‌کند.

لاک شکمی آن‌ها معمولاً روشن‌تر از لاک پشتی است.



زاد و ولد

تخم‌گذار است.

بعد از ۶ تا ۸ هفته خواب زمستانی

در هر سال تا ۵ مرتبه تخم می‌گذارد.

بین ۱ تا ۵ تخم می‌گذارد.

تخم‌ها بعد از گذشت ۷۷ تا ۱۰۰ روز

باز می‌شود.



دشمن اصلی

عقاب‌ها



عمر زندگی

۵۰ سال

وضعیت حفاظت

بدون نگرانی

خصوصیات رفتاری

زیستگاه این لاک پشت جلگه‌های شنی همراه با علفزارها و چمنزارهاست.

این گونه روزها فعالیت دارد.

حفری جزو علایق این حیوان است.

خواب زمستانی دارد.

این فرشته‌ها را چقدر می‌شناسید؟

بچه‌های عزیز! تا حالا فکر کرده‌اید اگر هر روز صبح چشمان را با آرامش باز می‌کنیم تا به زندگی و کارهای هر روزمان سلام کنیم و هر شب در امنیت چشمانمان را می‌بندیم و استراحت می‌کنیم، همه این آرامش و امنیت زندگی‌مان را مدیون زحمات و تلاش شبانه‌روزی پلیس‌ها هستیم. بله پلیس نیروی انتظامی در کشور ما مسئولیت خیلی بزرگی دارد. آن‌ها باید مراقب امنیت و نظم در همه جای کشور باشند. برای همین هم کارشان خیلی مهم است. آن‌ها سخت‌کاری می‌کنند تا ما بتوانیم با خیال راحت زندگی کنیم. اگر پلیس‌ها نبودند، اتفاقات بد و خطرناکی در کشور می‌افتاد. خوب است بدانید ما پلیس در زمینه‌های مختلفی داریم که وظیفه هر کدام از آن‌ها متفاوت است؟ امروز با برخی از پلیس‌های مختلف نیروی انتظامی و مسئولیت‌های آن‌ها بیشتر آشنا می‌شویم.



مرجان اسدانی

پلیس راهور مسئول راهنمایی و رانندگی در خیابان‌ها یا حمل‌ونقل در جاده‌هاست. حتما شما هم پلیس‌هایی را که توی خیابان‌ها یا جاده‌ها مراقب رفت‌وآمد ماشین‌ها و ترافیک هستند دیده‌اید. اگر رانندگان تخلف کنند این پلیس‌ها آن‌ها را جریمه می‌کنند. اگر کسی بخواهد گواهی نامه بگیرد باید به پلیس راهنمایی و رانندگی مراجعه کند. این پلیس‌ها مسئول نصب علائم راهنمایی و رانندگی در شهرها و جاده‌ها هم هستند تا مردم بتوانند با خیال راحت و با نظم رانندگی کنند.

پلیس راهور (پلیس راهنمایی و رانندگی)



پلیس امنیت عمومی



پلیس پاوا مسئول برقراری امنیت در مکان‌های عمومی است. آن‌ها باید مراقب باشند تا در فضا‌های عمومی که مردم زندگی و کار می‌کنند امنیت برقرار شود. اگر کسی در این مکان‌ها باعث آزار و اذیت دیگران شود پلیس آن‌ها را دستگیر می‌کند. اگر هم مورد مشکوکی در جایی از شهر باشد مثلاً کسی اسلحه حمل‌ونقل کند آن‌ها را دستگیر می‌کند.





پلیس آگاهی



پلیس آگاهی مسئول رسیدگی به جرم‌هایی مثل قتل و دستگیری متهمان است. آن‌ها با دقت مدارک جرم را جمع‌آوری و با تحقیق و آزمایش مجرمان را پیدا می‌کنند. پلیس آگاهی برای پیدا کردن سرخ و مدارک جرم باید دقت زیادی داشته باشد. کار آن‌ها شبیه کار کارآگاه‌هایی است که توی فیلم‌ها دیده‌اید.

پلیس‌ها فقط در سطح شهر و توی جاده‌ها نیستند. بعضی از پلیس‌ها مراقب اینترنت و فضای مجازی هستند. حتماً شما هم شنیده‌اید که بعضی از کلاهبردارها توی شبکه‌های مجازی کار می‌کنند. برای همین هم پلیس فتا مسئول مراقبت از فضای مجازی است تا کسی نتواند توی این فضا کلاهبرداری کند یا فعالیت‌های غیرقانونی انجام دهد.

پلیس فتا

(پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات)



مرزهای کشور هم نیاز به امنیت دارند. پلیس مرزبانی مسئول حفاظت از مرزهای زمینی و دریایی کشور هستند. آن‌ها در مناطق مرزی کشور کار می‌کنند و مواظب هستند تا کسی غیرقانونی وارد مرزها نشود. گاهی آن‌ها جانشان را برای امنیت ما و کشور عزیزمان فدا می‌کنند.

پلیس مرزبانی



پلیس پیشگیری از جرائم



پلیس پیشگیری از جرائم بزرگ‌ترین سازمان پلیس کشور است. مسئولیت‌های این پلیس خیلی زیاد است. مثلاً آن‌ها مسئول مراقبت از فرودگاه‌های کشور، راه‌آهن، سازمان اتمی، شبيلات و محیط زیست هستند. اگر کسی در این جاها جرمی انجام بدهد این پلیس‌ها پیگیری می‌کنند.

روایت



با تلاش به آرزو می‌رسی!

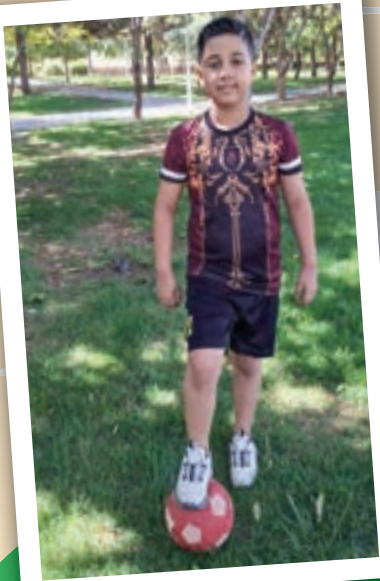
هرکسی بهتر است از کودکی برای خودش رؤیا و آرزویی داشته باشد که به خاطر رسیدن به آن رؤیا و هدف تلاش کند و وقت بگذارد تا سرانجام بعد از عبور از مانع‌ها و سختی‌ها به موفقیتی دست پیدا کند. بچه‌های موفق و پرتلاش همیشه برنامه ریز هستند و هیچ وقتی در شبانه روز زندگی شان خالی و بی هدف نیستند. آن‌ها با برنامه ریزی درست علاوه بر درس و مدرسه در ورزش و مهارت‌ها هم موفق می‌شوند.



طیبه ثابت



اسم این آقا پسر، امیرعلی دهقانپور است. او یکی از دانش آموزان ممتاز مدرسه شهید آیت ... طالقانی است. عاشق درس خواندن و کتاب و مدرسه است و دوست دارد در آینده مهندس شود.



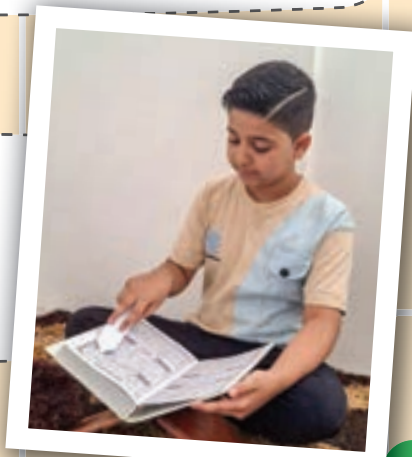
او فوتبال را از گل کوچک با پدرش شروع کرد و حالا در فوتبال، پست دفاع آخر را در تیم آینده داران سردار ناصری یعنی تیم محله اش دارد. او آرزو دارد چند سال دیگر فوتبالیست معروفی بشود.



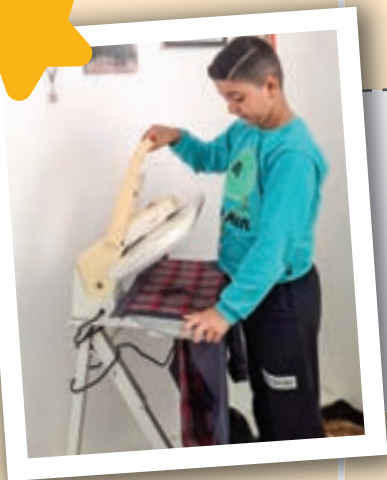


رشته رزمی تکواندو یکی دیگر از علاقه مندی های ورزشی امیرعلی و برادر کوچکش آراد است. آن ها روزهای فرد به باشگاه تکواندو می روند و از تمرین های سخت خسته نمی شوند چون می دانند از کمر بند آبی باید به کمر بند مشکی برسند.

امیرعلی، قرآن خواندن را خیلی دوست دارد چون اعتقاد دارد وقتی کتاب خدا را می خواند، با کلام خدا قلبش آرام می شود و روحیه اش در کارها قوی تر می شود. آفرین به این پسر خوب!



فکر کرده اید بچه های موفق فقط درس می خوانند و کار دیگری بلد نیستند؟ خیر. او عاشق یاد گرفتن مهارت های جدید است. همه کارهای شخصی اش را خودش انجام می دهد. اتاقش را مرتب می کند و خریدهای خانه مانند خرید نان را اگر لازم باشد، انجام می دهد. او می تواند غذاهای ساده مثل خوراک را درست کند و دستپخت خوبی هم دارد. ببینید چه با مهارت دارد لباسش را اتو می زند.



سلامتی و موفقیت خیلی به هم ارتباط دارند. برای همین امیرعلی همیشه قبل از اینکه ساعت را برای ۷ صبح کوک کند و سروقت برود بخوابد، مسواک زدن را فراموش نمی کند.



باتشکر از عکاس محترم
مامان امیرعلی

